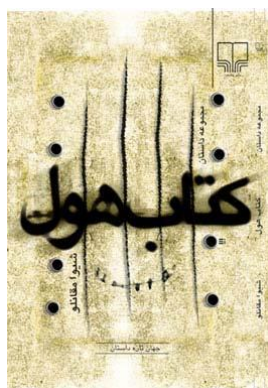


سنگینی تحمل ناپذیر هستی

آرمان آرین

چیزی، گویی بود و هست؛ در نگاهی تلخ و صادق به گذشته؛ یا گذری داغ و سرد به پیش رو. غلیانی پراکنده و منسجم که آشکارا اندیشه و توجه و احساس بسیار بر آن گذشته. انعطافی در گردآوردن تصویر و کلام – هر یک با تشخیص خویش – زیر سایه‌بانی از متون کهن و مقدس. کتاب هول در کار. ترس و وهمی که مو بر تن آدمی سیخ کند، نیست: به سوی ژرفایی هولناکتر از دسترس همگان خیز بر می‌دارد. شبیه حس ثانیه‌یی پس از غرق شدن ... هولی که شاید در یکایک اندازه‌های سر هر سیگار یا تعفن هر جنازه و ملافهی خاکسترشده بر تختی تار عنکبوت بسته نهفته باشد. هیجان ترس‌آلود یک لحظه مقصودش نیست، و باقی لحظه‌های جز همان یک لحظه را هم مد نظر دارد. تلاشی است در نگاهی به همه سو. «همان هراسی که همیشه در پی آشنایی‌ها می‌آید» ... هراس‌هایی گاه بسیار زنانه، از آن گونه‌یی که کم در ذهن مذکران می‌رویند، و ریشه در تن و روان زنانگی دارند. ریشه‌هایی دوان تا اعماق تاریخ آدمیان، و پیوسته حاضر.

فضاهای هر ده داستان اغلب تیره اند، نگاه‌ها اغلب مادی، جنسیت‌ها بسیار موثر، و ابهام‌ها فراوان. ولی پیداست که تمامی این‌ها در ذهنی واحد تمرکز و پالایش یافته اند. گویی نویسنده خود سال‌ها و ثانیه‌ها با آن آدم‌ها سیگار کشیده و قهوه نوشیده. بارها به آن‌ها دل باخته، و رویاوار در مکان‌هاشان به سر برده.



این نکته گویاست که نه تخیل تنها، که بارقه‌هایی از وقایع زندگی نویسنده نیز، در لفافه‌یی مبهم، سایه‌وار و گنگ در هم پیچیده اند: آدمیانی رها و تنها. گسسته از مرگ و همواره پیوسته. زشتی‌های خشن. زیبایی‌هایی بر تخت‌های خالی و اجبارهای مرطوب. سیالیتی بی‌آرام و پر آشوب. کرده‌هایی ناکرده مانده ... و گفته‌هایی ناگفته عیان شده ... بخار و مه گجی. گجی واحد پراکنده‌یی که از میان هزاره‌ها دهان باز کرده.

گویی امروز، زمان بازخوانی خوانش‌هاست. بازخوانی پرابهت و ناممکنی که فقط از مکتوبات و کلمات بهره‌مند نمی‌شوند. این بازخوانی حتا به «خزش پنهانی جانوری روی خاک که کلمه-یی نقش می‌کند» و یا به «بوته خاری که در نسیم تکان می‌خورد و واژه‌یی نو می‌سازد» نیز

می‌پردازد. به حرکاتی آن‌چنان پیچیده و هدفمند که شاید از زاویه‌ی دیگر «اباطیل» پنداشته شوند، و شاید تلاشی پیچیده و دردناک برای درک جهان. کتاب هول در بسیاری از بخش‌های و کلمات خود به احساسی مقدس از شهود در ماجرای جهان نزدیک می‌شود. مکاشفیه‌ی که گاه با غبار و دود طبیعت و شهر و آدمی مخدوش می‌شود.

اما راه هنوز برجاست ... و کشف « این را آخر از همه خواهیم فهمید»، و شاید هرگز.